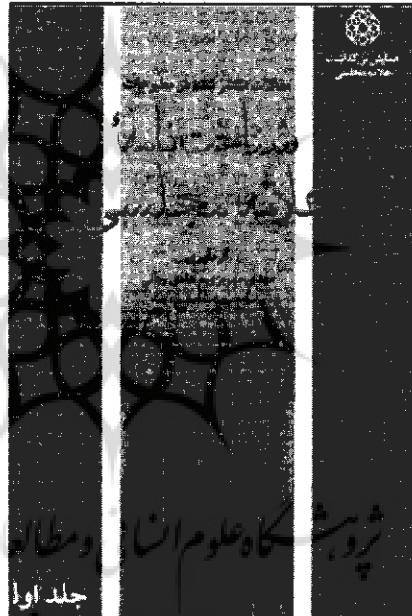




شناخت نامه

علامه مجلسی



مجلسی» به قلم ناصرالدین انصاری قمی، دوم: «بحارالاتوار که مقالات ذیل را به خود اختصاص داده است: «بحارالاتوار چیست؟» به قلم امام خمینی (ره)، «[محنوت] بحارالاتوار» به قلم سیداحمد زنجانی، «بحارالاتوار در دائیره‌المعارف» به قلم بهادر الدین خرمشاهی، «نقد بحارالاتوار در دائیره‌المعارف تنشیع» به قلم احمد عابدی، «بحارالاتوار در داشنامه جهان اسلام» به قلم حسن طارمی، «مجلسی و احادیث و اخبار» به قلم کیوان سمیعی، «بحارالاتوار دائیره‌المعارف شیعه» به قلم علی اکبر تلافی داریانی، «تعليقات علامه طباطبائی بر بحارالاتوار» به قلم سیدابراهیم سیدعلوی، «امام سجاد و داسنام و حرمه در بحارالاتوار» به قلم رضا استادی، «اصحیح و نشر مأخذ بحارالاتوار» از رضا مختاری، «ترجمه و تلخیص مقدمه بحارالاتوار» از محمدباقر بهبودی، «كتابشناسی بحارالاتوار» از ناصرالدین انصاری قمی، «موس و گریه» از مجتبی مینوی،

بخش سوم: سبک‌شناسی آثار فارسی علامه مجلسی شامل مقالات: «لامحمدباقر مجلسی» از ملک‌الشعرای بهار، «مجلسی (ره)» از شاهرخ مسکوب بخش چهارم: خاورشناسان و علامه مجلسی، شامل مقالات: «مستشرقان و علامه مجلسی» از مهدی تدین، «مجلسی از دیدگاه مستشرقان و ایران‌شناسان» از سیدابراهیم سیدعلوی

بخش پنجم: خدمات علمی - فرهنگی شامل:

«نقش اصلاحی مجلسی و عالمان شیعه» از سیدمحمد مرعشی، «رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفویه» از رسول جعفریان و «علامه مجلسی و گسترش حوزه‌ی علمیه شیعه» از مهدی فقیه ایمانی.

بورسی

بی تردید از اقبال صاحب‌نظران، نویسنده‌ان و... به شخصیت مرحوم علامه مجلسی به طور نسبی می‌توان به اهمیت اوی برد. هر اندازه‌این اقبال و توجه پیشتر باشد مسلمان‌شان دهنده اهمیت نظرات و... وی خواهد بود. تأکفته مشخص است که منظور نگارنده از اقبال، تنها رویکرد مثبت و تایید و تمجید نیسته بلکه رویکرد منفی و نگرش نقدامیز و تحلیل گرانه هم منظور است. چه افراد صاحب‌نظر که وقت خود را ساخت گرانیها می‌دانند آن را صرف موضوعات بی‌اهمیت نمی‌کنند.

پس صرف‌نظر از نحوه نگرش افراد به مرحوم مجلسی اعم از مثبت و منفی می‌توان از لابلای این توجهات به بخشی از شخصیت وجودی وی بی‌برد و پرده از اهمیت وی برداشت. در تاریخ اسلام اعم از شیعه و سنتی علامه مجلسی همیشه مطروح نظر بوده است و توجه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه و صاحبان قلم را به سوی خود جلب کرده است. در اثر حاضر «شناختنامه علامه مجلسی (ره)»

- شناخت نامه علامه مجلسی (ره)
- (مقالات منتشر شده در مطبوعات) ۲ جلد
- مهدی مهریزی و هادی ریانی
- همایش بزرگداشت علامه مجلسی، با همکاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- تهران، ۱۳۷۸

این دو جلد از دیگر محصولات همایش بزرگداشت مقام علمی علامه مجلسی است که مجموعاً در پنج بخش گردآمده است که این بخشها عبارتند از:

بخش یک: در احوال مجلسی (ره) که شامل چهار مقاله با عنوانی «شرح حال علامه‌ی مجلسی» به قلم علی دوانی، «شرح زندگانی علامه کبیر محمدباقر مجلسی» به قلم ناصرالدین انصاری قمی، «همدم با مردم» به قلم سیدصالح الدین مهدوی و «كتابنامه‌ی منابع شرح حال علامه مجلسی» به قلم ناصر باقری بیدهندی است.

بخش دوم: افکار و اندیشه‌های مجلسی است که مقالات زیر را دربر گرفته است: «عقل و دین از نگاه محدث و حکیم» به قلم محسن کدیور، «قد مقاله عقل و دین» به قلم علی ملکی میانجی، «عيار نقد در منزلت عقل» به قلم محسن کدیور، «نقد عیار» به قلم علی ملکی میانجی و فهرست تصصیلی مقالات دفتر نخست.

بخش سوم آثاری است که حاوی مقالات زیر است که در دو قسمت تنظیم شده است: یکم کتابشناسی شامل: «فهرست تصصیفات و تالیفات مولانا آخوند محمدباقر مجلسی، به قلم محمودحسین محمد صالح حسینی، «نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علامه‌ی مجلسی» به قلم محمود مهدوی دامغانی، «كتابشناسی تالیفات علامه



كتاب

گوشهای از این توجهات انعکاس یافته است که به بررسی محتوای آنها می پردازیم.
در جلد اول، ۸ مقاله پیرامون احوال و افکار و در جلد دوم ۳ مقاله درباره معرفی آثار
مجلسی و ۱۳ مقاله درباره بحوارانوار و ۳ نوشته کوتاه در معرفی سبکشناسی آثار
علماء گرد آمده است و ۲ مقاله درباره نظرات مستشرقان درباره مجلسی و ۱ مقاله
پیرامون خدمات مجلسی بر همه آنها افزوده شده است.

در این مجال کوتاه به بررسی اجمالی این مقالات می پردازیم. البته مقامهای که
اهمیت پیشتری دارند در اولویت قرار خواهند گرفت و بسط پیشتری خواهند داشت.

بررسی مقالات جلد اول

مقاله شرح حال مجلسی نوشته علی دوانی.

این مقاله همانند سایر شرح حال‌ها تدوین شده است و از نقد و بررسی و تحلیل
ونگرش نقائصه خالی است و پیشتر یک مقاله توصیفی و تمجیدی است که از علامه
مجلسی به عمل آمده است، اما در عین حال کاملاً تحقیقی است و افزونی و تعدد
منابع خطی و چاپی نشان‌دهنده تسلط زیاد نویسنده بر متابع مربوطه است.

مقاله کتابنامه منبع شرح حال علمای مجلسی نوشته ناصر باقری بیدهندی.

در این مقاله ۱۶۴ منبع شرح حال مجلسی ذکر شده سه دسته نظریه افراطی‌ها،
تفريطی‌ها و میانه روها درباره آثار علامه مجلسی بوده که در اینجا معرفی می‌شوند:
در این مقاله نظریه میانه روها مورد تأثیر و تقویت قرار گرفته است. از جمله
کسانی که از دیدگاه نویسنده نگرش منصفانه‌ای پیرامون بحوارانوار ارایه کرده است
امام خمینی (ره) است که درباره آن فرموده است: «کتاب بحوارانوار که تالیف عالم
بزرگوار و محدث عالی مقاله محمد باقر مجلسی است مجموعه‌ای است از قریب به
چهارصد کتاب و رساله که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام
واسطه کوچکی و گذشن زمانها از دست می‌رود، تمام آن کتابهای بدون آنکه ملزم
به صحت همه آنها باشد در یک مجموعه به اسم بحوارانوار فراهم کرده و نخواسته
کتاب علمی بنویسد یا دستورات و قوانین اسلام را در آنجا جمع کند تا اطراف آن
بررسی کرده و درست راز غیردرست جدا کند. در حقیقت بحوارانوار همه اخباری
است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده چه درست باشد یا نادرست. در آن
کتابهایی هست که خود صاحب بحوار آنها را درست نمی‌داند و او نخواسته کتاب
علمی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتابهای فراهم کرده‌ای. پس نتوان هر
خبری که در بحوار هست به رخ دینداران کشید که آن خلاف عقل یا حس است؛
چنانکه نتوان بی جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه مانیسته بلکه در هر
روایتی باید بررسی شود آنکه با میانهایی که علماء در اصول تعیین کردند عملی
بودن یا نبودن آن را اعلام کرد.»

بنابراین بحوارانوار یک منبع جامعی است که گردآورنده آن زحمت
طاقتفرسایی کشیده تا از میان رفتن احادیث پراکنده جلوگیری کند ولی صحت و
سقم آنها با عنایت به معیارهای مختلف که در فرمایش امام
ستجیله شود تا صحیح و تاصحیح آن مشخص گردد. البته آنچه در فرمایش امام
خدمینی (ره) آمده با عنایت به علم، فقه و اصول و احکام عملی اسلام محک و ملاک
تمیز است اما این تردید در حوزه‌های دیگر علمی و معرفت دینی ملاکهای دیگر وجود
دارد که بر اساس آنها نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرند.

مقاله عقل و دین لغایا محدث و حکیم نوشته محسن کدیور.
نویسنده این مقاله علامه مجلسی که نماینده بر جسته یک نحله معرفت‌شناسنامه نگرش‌های دو
عالی بزرگوار یعنی علامه مجلسی که نماینده بر جسته یک نحله فکر در حوزه اندیشه
اسلامی است و علامه طباطبائی که نماینده بر جسته نحله دیگر در حوزه اندیشه
اسلامی درباره عقل و دین را مورد تطبیق قرار دهد و خواننده را از زوایای فکر این
بزرگوار آگاه سازد.

بررسی از این مقاله اصلی این مقاله پیرامون احوال و افکار و در جلد دوم ۳ مقاله درباره معرفی آثار
مجلسی و ۱۳ مقاله درباره بحوارانوار و ۳ نوشته کوتاه در معرفی سبکشناسی آثار
علماء گرد آمده است و ۲ مقاله درباره نظرات مستشرقان درباره مجلسی و ۱ مقاله
پیرامون خدمات مجلسی بر همه آنها افزوده شده است.
در این مجال کوتاه به بررسی اجمالی این مقالات می پردازیم. البته مقامهای که
اهمیت پیشتری دارند در اولویت قرار خواهند گرفت و بسط پیشتری خواهند داشت.

بررسی مقالات جلد اول

مقاله شرح حال مجلسی نوشته علی دوانی.

این مقاله همانند سایر شرح حال‌ها تدوین شده است و از نقد و بررسی و تحلیل
ونگرش نقائصه خالی است و پیشتر یک مقاله توصیفی و تمجیدی است که از علامه
مجلسی به عمل آمده است، اما در عین حال کاملاً تحقیقی است و افزونی و تعدد
منابع خطی و چاپی نشان‌دهنده تسلط زیاد نویسنده بر متابع مربوطه است.

مقاله کتابنامه منبع شرح حال علمای مجلسی نوشته ناصر باقری بیدهندی.

در این مقاله ۱۶۴ منبع شرح حال مجلسی ذکر شده سه دسته نظریه افراطی‌ها،
تفريطی‌ها و میانه روها درباره آثار علامه مجلسی معرفی می‌شوند:

در این مقاله نظریه میانه روها مورد تأثیر و تقویت قرار گرفته است. از جمله
کسانی که از دیدگاه نویسنده نگرش منصفانه‌ای پیرامون بحوارانوار ارایه کرده است
امام خمینی (ره) است که درباره آن فرموده است: «کتاب بحوارانوار که تالیف عالم
بزرگوار و محدث عالی مقاله محمد باقر مجلسی است مجموعه‌ای است از قریب به
چهارصد کتاب و رساله که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام
واسطه کوچکی و گذشن زمانها از دست می‌رود، تمام آن کتابهای بدون آنکه ملزم
به صحت همه آنها باشد در یک مجموعه به اسم بحوارانوار فراهم کرده و نخواسته
کتاب علمی بنویسد یا دستورات و قوانین اسلام را در آنجا جمع کند تا اطراف آن
بررسی کرده و درست راز غیردرست جدا کند. در حقیقت بحوارانوار همه اخباری
است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده چه درست باشد یا نادرست. در آن
کتابهایی هست که خود صاحب بحوار آنها را درست نمی‌داند و او نخواسته کتاب
علمی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتابهای فراهم کرده‌ای. پس نتوان هر
خبری که در بحوار هست به رخ دینداران کشید که آن خلاف عقل یا حس است؛
چنانکه نتوان بی جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه مانیسته بلکه در هر
روایتی باید بررسی شود آنکه با میانهایی که علماء در اصول تعیین کردند عملی
بودن یا نبودن آن را اعلام کرد.»

بنابراین بحوارانوار یک منبع جامعی است که گردآورنده آن زحمت
طاقتفرسایی کشیده تا از میان رفتن احادیث پراکنده جلوگیری کند ولی صحت و
سقم آنها با عنایت به معیارهای مختلف که در فرمایش امام
ستجیله شود تا صحیح و تاصحیح آن مشخص گردد. البته آنچه در فرمایش امام
خدمینی (ره) آمده با عنایت به علم، فقه و اصول و احکام عملی اسلام محک و ملاک
تمیز است اما این تردید در حوزه‌های دیگر علمی و معرفت دینی ملاکهای دیگر وجود
دارد که بر اساس آنها نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرند.

مقاله عقل و دین لغایا محدث و حکیم نوشته محسن کدیور.

نویسنده این مقاله عالمی نگرش عالی نگرش عالیه مجلسی پیرامون عقل را پاداورد شده
باشند اول شاخصهای اصلی نگرش عالیه مجلسی پیرامون عقل را پاداورد شده
که در اینجا به سرفصلهای مهم آن اشاره می‌کنیم.

۱) عقل قوه در کنندۀ خیر و شر و حق و باطل. نویسنده با عنایت به این
شاخص، علامه مجلسی را زنگرش اشعاری جنمی کند.

صفحة اولی از اجازه مولی محمد کاظم الجبلی

نویسنده مقاله حاضر با توجه به رهیافت معرفت‌شناسانه‌ای که در پیش گرفته
و نگرش‌های اخباری و حکمی را مورد مقایسه قرار داده و از روش نوم (روش علامه
طباطبائی) دفاع کرده استه و اکشن‌هایی در مطبوعات داشته است که در این
مجموعه هم نقدي بر آن چاپ شده است.

به هر حال موضوع اصلی این مقاله بررسی آرای علامه مجلسی و نگرش
انتقادی و شرح تحلیل گرانه علامه طباطبائی بر متن برخی از مجلدات بحوارانوار
است که بر محور عقل و دین دور می‌زند. نیک پیلانست که با توجه به تحوه نگرش
نویسنده در این مقاله نگرش عالیه طباطبائی تقویت شده و نویسنده تلویحاً یا
تصویری‌اً حاکمی حمایت کرده است.^۲

نویسنده مقاله عقل را از دیدگاه این دو بزرگوار مورد بررسی قرار داده است و در
بخش اول شاخصهای اصلی نگرش عالیه مجلسی پیرامون عقل را پاداورد شده
که در اینجا به سرفصلهای مهم آن اشاره می‌کنیم.

۱) عقل قوه در کنندۀ خیر و شر و حق و باطل. نویسنده با عنایت به این
شاخص، علامه مجلسی را زنگرش اشعاری جنمی کند.

می باشد ولی اهمیت مجلسی در این است که در آثار فارسی خود پیروی از سبک نامنوس خود نگردد است. اگر سبک رایج دوره صفوی را تحلیل زیادی دنباله سبک هندی بدانیم که صفت باز آن پیچیدگی مضامین و به کار بستن تشبیهات و استعارات دور از ذهن و اظهار بث و شکوی و تمایل به غم و رنج و اظهار خودپسندی و غرور و عجب استه این مشخصات در آثار فارسی مجلسی به میزان قابل توجهی کاسته شده و حتی می توان گفت وجود ندارد.^۶ البته این بنان معنا نیست که مرحوم مجلسی از تسلط بر چنین سبکی نتوان بوده بلکه از برخی آثارش برمی آید که کاملاً مسلط بوده ولی رعایت حال خواننده وی را وامی داشت تا به نثر روان و سلیس بنویسد.

مقاله بحث‌الآثار در دایره‌المعرف تشیع، از بهاء‌الدین خوشماهی.

نکته مهمی که در این مقاله مهم به نظر می‌رسد روش علامه مجلسی در تالیف بحرا‌الاتوار است. روش مجلسی در جمع و تلوین این کتاب به روشی که امروزه و در عصر جدید در علوم انسانی و دایره‌المعرف‌خواهی معمول است بسیار شبیه است و سه ستون اصلی وارجمند دارد. نخست عیوب و نص گلی، به معنای مثبت کلمه، و اعتنای شایان به حفظ نصوص و متون، دوم پدیده‌پژوهی، آنچه امروزه روش پدیده‌شنختی (فونومنوپوئیک) خوانده می‌شود و شاید پیشرفت‌ترین شیوه تحقیق چه در نقد فلسفی چه در نقد و پژوهش‌های ادبی و چه در پژوهش‌های دینی است. علامه مجلسی عمده میراث معارف اسلامی و شیعی را چنانکه در متون اصلی و اصیل اسلامی و شیعی منعکس شده باز جمع و تلوین و عرضه می‌کند. مهم این است که آن را در آینده و ذهن و زمان و اندیشه خود نمی‌تلاند؛ یعنی روابط عینی را بادرایت ذهنی خود در هم نمی‌آمیزد. «بیان»‌های او نکاری روشنگر و تعلیقانی است جذاب‌ترین و برای پیش‌فهمیدن متون، سویمن قائمه سندشناسی و استلال سنجیده است. این روش، شیوه‌ای است که پیشرفت پژوهش‌های عصر جدید نیز بر صحبت آن صحه گذاره است؛ یعنی نقل از متابع اصیل و کهن و به دست دادن متابع یعنی کتابشناسی اثر.^۷

مقاله تعلیقات علامه طباطبائی بر محل‌الآثار، از سید‌الاکرم سیدعلوی، استاد علامه طباطبائی در طبع جدید بحرا‌الاتوار در مواردی که لازم تشخیص می‌داد حاشیه و تعلیقاتی می‌نوشت که در برخی از آنها آرای مرحوم مجلسی را نقد می‌کرد و در برخی دیگر به تحلیل آرای وی می‌پرداخت. این تعلیقات به طور مختصر آمده و بنا به ادعای نویسنده مقاله شامل ۶۷ مورد می‌شود که بنا به علل و دلایل متوقف شد و از مجلدات نخستین بحرا‌تجاوی نکرد.

در مقاله مزبور تعلیقه بر کتاب التوحید و کتاب العدل والمفاد مورد بررسی قرار گرفته و نظرات مرحوم طباطبائی ذکر شده است. نکته حائز اهمیت اینکه در مجلداتی که خواشی علامه آمده است دو نگرش متفاوت پیش روی خواننده قرار گرفته است: نگرش حدیثی و اخباری علامه مجلسی و نگرش فلسفی، حکمی و عقلی علامه طباطبائی. از آنجا که علامه طباطبائی نگرش متفاوت با علامه مجلسی به عقل و فلسفه و حکمت داشته است تعلیقات وی تیز از نظر محظوظ با توضیحات علامه مجلسی متفاوت است و مبتنی بر مقبولیت و حجتی عقل و مدرکات عقلی است.

به عنوان مثال در حدیث هدفهم از باب اول مبنی بر اینکه «از امت محمد (ص) هر که آلوهه به شرک نشود بیهشته است هرچند گناهی مثل زنا و شرب خمر مرتکب شود.»^۸ علامه مجلسی در بیان خود نوشتند است: از اخبار چنین برمی آید که انکار هر آنچه عقیله بر آن واجب استه خارج شدن از اسلام و وارد شدن در شرک است و توحیدی موجب ورود به بیهشته است می‌باشد که با چنین انکارهایی توأم نباشد پس، از این حدیث برئی آید که مخالفین وارد بیهشته خواهند شد.^۹ این در حالی است که علامه طباطبائی نتیجه دیگر از این حدیث گرفته و می‌نویسد: در میان اخبار بزرخ

(۲) ادراک عقلی، اعتبار استقلالی ندارد و دین هم این اعتبار را تایید نکرده و بلکه آن را نفی کرده است. اگر عقل دارای اعتبار استقلالی در درک و فهم باشد موجب گمراحتی می‌شود.^{۱۰}

(۳) عقل در حوزه اعتقادات دینی هم نمی‌تواند اعتباری داشته باشد بلکه پس از معرفت امام باید تعطیل شود^{۱۱} و اعتقادات دینی با روایات اهل بیت (ع) قبل اینکه آن داشتند نه با عقل و فهم قرآن هم از این طریق صورت می‌گیرد و اگر روایتی در فهم آیه‌ای وجود نداشته باشد عقل در آنجا باید به تعطیلی کشیده شود.^{۱۲}

(۴) تنها منبع اصلی فقه اسلامی، روایات است.^{۱۳}

(۵) عقل در اصول دین هم اعتباری استقلالی ندارد و حتی در اوصاف الهی هم نمی‌تواند غور کند.^{۱۴}

نویسنده پس از ذکر این شاخص‌ها که ۱۵ مورد را شامل می‌شود به شاخص‌های مهم علامه طباطبائی در زمینه عقل پرداخته و اختلافات فاحش بین این دو نگرش را نمایان می‌کند. در بخش نظرات علامه تعریفی در برابر شاخص‌های مهم علامه مجلسی، نظرات مخالفی از علامه طباطبائی ذکر شده است که تماماً در بردازنه رویکرد اثباتی و دفاعی به عقل را دارد و نمایانگر نظر ثبیت و تایید آمیز اسلام درباره عقل است.^{۱۵} که ۱۴ مورد را شامل می‌شود.

نقد مقاله عقل و دین، نوشته علی ملکی میانجی.

نویسنده به نقد آرای ازایه شده در مقاله عقل و دین پرداخته است و در صدد برآمده تادر عین دفاع از آرا و عقاید مرحوم مجلسی به گونه‌ای از آرای علامه تفسیر کرده تا به جمع آرای این دو بزرگوار توفيق یابد. بخش عمده و مهم سخنان نقد حول این نظر می‌جز خذ که اثبات کند علامه مجلسی عقل و مدرکات اثباتی را معتبر می‌داند.^{۱۶} به علاوه در جاهایی که توانسته است این مدعی را به اثبات برساند قایل به تفصیل در عقل شده و بیان کرده است که عقل بر نوع است: ۱- به معنای نظری-فلسفی، ۲- به معنای کلی. و آن چه که مورد حمله علامه مجلسی قرار گرفته عقل نظری-فلسفی است نه عقل به معنای کلی.^{۱۷}

نکته دیگر اینکه برخی از مطالب ناقد صرف ادعا است و چیزی را اثبات نمی‌کند.^{۱۸} در ادامه این مقاله مطالب دیگری آمده است که جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.

در صفحات بعدی کتاب دو مقاله آمده است که اولی جواب نویسنده مقاله عقل و دین به ناقد است و مقاله دوم هم نقد جواب نویسنده عقل و دین است.

در جواب نقد مقاله عقل و دین چند نکته آمده است: (الف) مؤلف مقاله اصل ادعا کرده است که ناقد بخش عمده مقاله را پذیرفته است.^{۱۹} (ب) مؤلف با طرح چند سوال معرفت‌شناشانه درباره موضع علامه مجلسی درباره عقل، ناقد را به مبارزه علمی طلبیه است. مؤلف مقاله اصل ادعا کرده است که اگر به سوالات وی جواب داده شود آنگاه است حکم ادعاهای وی مشخص خواهد شد. (ج) مؤلف مقاله اصل در جواب به ناقد به سه مطالب پرداخته است: مبانی معرفت‌شناشانه مجلسی، نزوم تقيق تفکر دینی و ادب نقد.

ناقد هم در مقاله نقد عیار که مقاله آخر کتاب است در سه بخش به جواب مؤلف مقاله اصل را به نقد آورده است: هدف مؤلف و چگونگی طرح آن، چگونگی بررسی آرای مجلسی و بررسی مطالب دیگر.^{۲۰}

بررسی مقالات جلد دوم
در این جلد مقالاتی که تازگی زیادی دارند به طور گزرا مورد بررسی قرار می‌گیرد:
مقاله نگاهی به پژوهی از آثار فارسی علامه مجلسی نوشته‌ی محمود مهلوی
دامغانی.^{۲۱}

نکته مهمی که در این مقاله آمده شیوه و سبک نگارش علامه مجلسی (ره)^{۲۲} است. نظم و نثر از لحاظ کلی در هر دوره دلایل مشخصات و سبک نزدیک به هم



عصر صفویه اشاره ندارد و موضع علامه مجلسی (ره) در برابر صوفیه را گزارش کرده است.

صفویان با نگرش عرفانی و صوفیانه پا به عرصه وجود گذاشتند و نظام طریقت راسپط و گسترش می‌دانند. از آن پس به دنبال برایافتن فقهای در درگاه شاهان صفوی در داخل حاکمیت خود می‌باشد. از این‌جا که طرف صوفیان در بارگاه شاه حضور داشتند او را «مرشد کل» لقب داده بودند و همان تلقی را ازوی داشتند و از طرف دیگر فقیهان که علاوه بر داشتن رمزینه اجتماعی و شرعی در فقه از سوی شاهان نیز تقویت می‌شدند.^{۳۱} بدین ترتیب این تضاد واقیت خارجی یافت. اما به دنبال قدرت گرفتن فقهای در درگاه شاهان صفوی از نفوذ صوفیان بشدت کاسته شد و دوره صوفی‌زبانی آغاز گردید.

به دنبال چنین وضعیتی عالمان و فقیهان تشیع علیه صوفیان فتاوی‌ی صادر کردند که در مقامه حاضر به آنها اشاره شده استه علاوه بر فتاوی‌ی فقهای کتابهای زیادی هم علیه آنان نوشته شد که کتابهای الاربعین، الہام المارقق فی اغراض الزنائقه فی اصناف الصوفیه و ما ینجری الکفر... و آن جمله‌اند. در اغلب این فتاوی و آثار، صوفیان از مصادیق «ملعون من القی کله علی الناس» قلمداد شده‌اند.^{۳۲}

از بر جست‌گیرین فقهایی که علیه صوفیه اقدامات زیادی انجام نداد می‌توان از علامه مجلسی (ره) نام برد که در آثار خود عقاید صوفیان را رد کرده است به ویژه در عین الحیوه دلایلی در رد آنان ارایه کرده است.^{۳۳} مرحوم مجلسی در این موضوع رساله‌هایی داشته است که در این مقاله ذکر برخی از آنها شده است.^{۳۴}

پاورقی:

۱- شناختنامه‌ی علامه ج، ۱، ص ۱۰۴ به نقل از کشف الاسرار صحن ۳۲۰-۳۱۹

۲- شناختنامه‌ی مجلسی، ج، ۱، ص ۱۲۸.

۳- همان، ص ۱۲۹.

۴- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۱، ص ۱۳۰.

۵- همان، ۹۸۷.

۶- همان، ص ۱۳۹.

۷- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۱، ص ۱۷۸.

۸- همان، ص ۱۷۹.

۹- همان، ص ۱۷۶.

۱۰- همان، ص ۱۸۸.

۱۱- همان، ص ۱۸۹.

۱۲- همان، ص ۱۸۹.

۱۳- همان، ص ۱۷۷ به بعد.

۱۴- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۲، صص ۱۹۱۸.

۱۵- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۲، صص ۸۸۷.

۱۶- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۲، ص ۱۷۱.

۱۷- همان، ص ۱۷۷.

۱۸- همان، به نقل از بخار الانوار، ج، ۳، ص ۸.

۱۹- همان، ص ۱۷۷ به بعد.

۲۰- همان، ص ۱۷۷.

۲۱- همان، به نقل از بخار الانوار، ج، ۳، ص ۸.

۲۲- همان، ص ۱۹۹-۱۹۸، به نقل: بخار، ج، ۲، صص ۲۷۱.

۲۳- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۲، ص ۳۳۴.

۲۴- شناختنامه‌ی علامه مجلسی، ج، ۲، ص ۳۳۷.

۲۵- همان، ص ۳۶۰.

۲۶- همان، صفحه ۳۶۳ به بعد.

جزی ای است که دلالت دارد بر امکان ورود مخالفین غیرناظمی به پیشته مثل روایت زیدکناسی.^{۳۵}

آنچه از تعلیق‌های علامه طباطبائی بر توضیحات مرحوم مجلسی به دست می‌آید تسلط شفعتانگیز حضرت علامه طباطبائی (ره) بر مفاهیم قرآنی، روایات و برداشت‌ها و استنتاجهای عقلانی است که کفه ایشان را در مقایسه با آرای علامه مجلسی سنگین کرده استه دقیقی که علامه طباطبائی به کار برده تحسین برانگیز است در حالیکه علیرغم تسلط علامه مجلسی بر روایات و کتب روای، چنین دقیقی به دست نمی‌آید.

از نمونه‌هایی که بیان کننده اختلاف نگرش این بزرگواران است تفسیر آنان درباره بطلان تناخ است. مرحوم مجلسی می‌نویسد: «عمله در نفی تناخ ضرورت دین و اجماع مسلمین است و دلایل عقلی نوعاً در اثبات بطلان آن کافی نیستند.»^{۳۶} و علامه طباطبائی نوشه است: «عمله در نفی تناخ و بطلان آن، این است که رجوع و بازگشت شیء از فعلیت به قوه ناممکن و محال است و البته آن (نفی تناخ) در بدن مثلی که از شوون نفس و مراتب و لوازم وجودی آن است جریان ندارد.»^{۳۷}

رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفویان، به قلم رسول جعفریان، خلاوند دین را برای عموم مردم فرو فرستاده است و هنف اصلی اش از این کار، لطفی عام در این دنیا و آخرت بوده است. به همین جهت عموم پیامبران خدا به گونه‌ای خود را در رفتار، گفتار و کردار خوبی نمایان می‌کرند که هیچ گروه و دسته‌ای به دلیل اختصاص داشتن آنان به طبقه‌ای خاص، پیرامون آنان را خالی نکنند بلکه پیامبران به سان صحیفه‌های مفتوحی بودند که هر یک از افراد انسانی، حظ و بهره خود را می‌برند و هیچ فردی ناکام و نامیداًز درگاه آنان باز نمی‌گشت. گواینکه آنان طبیانی بودند که در هر دردی تخصصی ویژه داشته‌اند و تمام پیامران را به فراخور حالشان درمان می‌کردند.

از این روست که در میان پیامبران بزرگوار اسلام که خاتمه‌انیاست افراد با فاصله فکر و طبقاتی گوناگون جمع شده بودند و هر کدام بهره خود می‌برند و صد البته که شیفته و دلباخته آن حضرت هم بودند. سلمان، ابوذر، صحیب رومی، مقداد علی، و... با وجود تفاوت‌های عظیمی که باهم داشته‌اند گرد شمع وجود آن حضرت حلقة می‌زندند.

به تعبیری دیگر پیام پیامبران به گونه‌ای بود که تمام افراد انسانی اعم از مصلحت‌اندیشان، معرفت‌اندیشان و تجربت‌اندیشان از خوان نعمت آنان غنای خود را برمی‌گرفتند و قوت خود می‌ساختند. اما روند در میان پیروان گفتوان آن ادامه نیافت و آنان بر اثر عدم شناخت صحیح حیثیتها دینی را در ارتباط با هم نیافتدند و با گذشت زمان فاصله‌ها زیادتر شده و اختلافات شکل منطقی یافته است. به عنوان مثال دسته‌ای به مغز دین توجه کرند و پوسته‌ای آن را غیرضروری طانتند و گروهی عکس آن را عمل کردند؛ دسته‌ای از دین، معرفت آموختند و عمل و تجربه را رها نمودند و برخی دین را دنیوی کرند و بعضی اخروی. در حالی که تمام این جواب و بطور در طول هم بوده‌اند نه در عرض هم، از این رو می‌توان گفت که آنها نماد و نماینده لایه‌های مختلف دین بوده‌اند و تمام اینها تمام دین را تشکیل می‌دهند و نه بخشی از آنها.

شگفت اینجاست که این اختلافات پامدهای عملی ناگواری به دنبال آورده به گونه‌ای که گروهی، دسته‌ای را ملحد و بی دین دانسته و دسته‌ای دیگران را ظاهرپرست و... قلمداد نموده‌اند.

در این میان اختلاف فقهاء و عرفان‌دار تاریخ ادیان و نیز در دین اسلام تاریخی عبرت آموز دارد.

مقاله حاضر به روند شکل گیری این اختلاف و اقدامات آنان علیه یکدیگر در